

عنوان مقاله:

عقل، حقیقت و شناخت در مثنوی جلال الدین

محل انتشار:

اولین همایش بین المللی زبان و ادبیات فارسی (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

نویسندگان:

امین

لیلا حیدری

خلاصه مقاله:

جلال الدین مولوی در جای جای اثر عظیم خود مثنوی، به عقل توجه ویژه ای کرده است و از عقل در مراتب مختلف یاد می کند. گاهی آنقدر مقام آن را بالا میبرد که فکر می کنیم اساس هستی بر پایه عقل استوار است و گاهی چنان با کراهت از عقل سخن می گوید که ناخودآگاهی تمام بدبختی های عالم بشریت و انسانیت را از آن می دانیم. در این مقاله سعی شده که علت این تناقض سخن در این اثر بی بدیل بررسی شود، زیرا از شخص شهیری مثل مولانا این مطالب ضد و نقیض بعید است و خواننده را به دوگانگی اندیشه و گاهی رد کردن شعر او می کشاند.

کلمات کلیدی:

جلال الدین، عقل کلی، عقل جزئی، شناخت، حقیقت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/777996>

